**خوانده شده برای رنج و زحمت، و وجد و شادی: جهت قدوسیت و امید**

رومیان ۵:‏۱-‏۸

پس چون که به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم به وساطت خداوند ما عیسی مسیح، که به وساطت او دخول نیز یافته‌ایم به وسیلۀ ایمان، در آن فیضی که در آن پایداریم؛ و به امید جلال خدا فخر می‌نماییم؛ و نه این تنها، بلکه در مصیبتها هم فخر می‌کنیم، چون که می‌دانیم که مصیبت، صبر را پیدا می‌کند؛ و صبر، امتحان را؛ و امتحان، امید را؛ و امید باعث شرمساری نمی‌شود، زیرا که محبت خدا در دلهای ما به روح‌القدس که به ما عطا شد، ریخته شده است. زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم، در زمان معین، مسیح برای بی‌دینان وفات یافت. زیرا بعید است که برای شخص عادل، کسی بمیرد، هرچند در راه مرد نیکو ممکن است کسی نیز جرأت کند که بمیرد. لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد.

امیدوارم در چهار هفتۀ آینده، شما را یاری رسانم تا برای رنج و سختی کشیدن به خاطر مسیح، آماده گردید. یکی از دلایلی که معتقدم باید برای رنج کشیدن به خاطر مسیح، آماده باشیم، این است که کتاب‌مقدس می‌فرماید که باید آماده باشیم؛ و دیگر اینکه شرایط امروز، می‌طلبد که آماده باشیم.

**آماده شدن برای رنج و سختی**

دیوید بارِت، پژوهشگر مبشری که «دانشنامۀ جهان مسیحیِ آکسفورد» را تهیه نموده، سالانه، گزارشی از وضعیت مسیحیان در گوشه و کنار جهان، ارائه می‌دهد. او طی برآوردی، نشان داده که این وضعیت تا سال ۲۰۰۰، چگونه پیش خواهد رفت. او در گزارش امسال، اعلام نموده که در سال ۱۹۸۰، حدود دویست و هفتاد هزار مسیحی شهید شده‌اند؛ که احتمالاً امسال، تعدادشان به سیصد و هشت هزار نفر می‌رسد؛ و برآوردش این است که در سال ۲۰۰۰، این تعداد، به پانصد هزار نفر افزایش می‌یابد.۱ این ارقام هرچه باشند، بحث بر سر این است که آنها فقط به خاطر مسیحی بودن، جان خود را از دست می‌دهند.

امروز در کشور سومالی، گروه‌های مذهبی که با یکدیگر رقابت دارند، ده‌ها هزار مسیحی را به عمد، در انزوا قرار داده، و به مناطق خاصی فرستاده، تا از گرسنگی تلف شوند. تنش میان جمعیت مسلمانان و مسیحیان در نیجریه، به شکلی خطرناک، دامنه‌دار گشته است. میلیونها مسیحی در چین، و بسیاری کشورهای دیگر، زندگی خود را پیوسته در خطر آزار و اذیت و زندانی شدن سپری می‌کنند.

در سرزمین خودمان، دشمنی جامعۀ غیر مذهبی به طور کلی، و به طور خاص، دشمنی نخبگان اندیشمند، و صاحبان رسانه‌ها با کلیسای بشارتی، و با دیدگاهی که ما بر مبنای کتاب‌مقدس بر آن ایستاده‌ایم؛ یعنی رویای عدالت و نیکویی، رو به افزایش است. اصلاحیۀ اول قانون اساسی، آن‌قدر به نفع غیر مذهبیانِ مخالف مذهب دستکاری شده که دیگر دور از تصور نیست که یک قاضی، دلیل و برهان آورد که استفادۀ کلیساهای مسیحی از خدمات دولتی مثل آب و برق و فاضلاب، به معنای جانبداریِ دولت، و قوانین، از مذهب و برقراری آن بوده، و چه بسا که خلاف قانون اساسی به حساب آید.

وقتی مخالفان سقط جنین، در مکانهای عمومی، و در آرامش کامل، به عمل سقط جنین اعتراض می‌کنند، مدافعان سقط جنین، به شدت به ایشان حمله‌ور شده، و نه تنها آن مخالفان از هیچ‌گونه حمایت و حفاظتی از سوی پلیس برخوردار نمی‌گردند، بلکه مجرم هم شناخته می‌شوند، چنان که یک چنین موردی در شهر بوفالوی نیویورک، به وقوع پیوست.

هنرمندان مشهور و نامی، آشکارا از نام عیسی متنفر بوده، و به آن کفر می‌گویند، حال آنکه در دهه‌های گذشته، اگر چنین می‌کردند، از چشم مردم می‌افتادند، اما امروزه چنین عملی مورد تأیید بوده، و یا عمدتاً به چشم نمی‌آید.

**بهای مأموریت عظیم**

همۀ اینها بدین معناست که در سالهای آینده، مسیحی بودن بیش از این بها خواهد داشت؛ و به انجام رسیدن آن مأموریت عظیم، به قیمت جان برخی از ما تمام خواهد شد، چنان که اکنون نیز به این بها تمام شده، و همواره نیز چنین بوده است. هزار و هشتصد سال پیش، تِرتولییَن چنین گفت: «هر زمان که ما [مسیحیان] را قتل عام کنید، تعدادمان افزایش خواهد یافت. خون مسیحیان، همچون بذر است» (دفاعیات مسیحی، ۵۰). دویست سال بعد نیز اِس. تی. جِروم چنین گفت: «کلیسای مسیح، با ریخته شدن خون اعضایش بنا گشته، نه با ریخته شدن خون دیگران. کلیسای مسیح، با تاب آوردن ظلم و ستمی که به آن روا شده، بنا گشته، نه اینکه خودش ظلم و ستم روا دارد و پابرجا ماند. آزار و جفا، کلیسا را رشد داده است. شهیدان تاج کلیسا هستند» (نامۀ ۸۲).

امروزه در مورد کشورهایی که دسترسی به آنها محال است، بسیار صحبت می‌کنیم، حال آنکه، چشم‌انداز خدا به خدمات بشارتی را تقریباً از دست داده‌ایم، گویی که خدا خدمت بشارت را امری امن و آسان مقرر داشته است. برای کسانی که تصورشان این است که بشارت انجیل، چه بسا آزار و جفا، زندانی شدن، و مرگ را به همراه خواهد داشت، کشوری وجود ندارد که دسترسی به آن برایشان محال باشد؛ و عیسی خود به روشنی فرمود که بشارت، چنین پیامدهایی را در پی خواهد داشت. «شما را به مصیبت سپرده، خواهند کشت؛ و جمیع امتها، به جهت اسم من، از شما نفرت کنند» (متی ۲۴:‏۹). «اگر مرا زحمت دادند، شما را نیز زحمت خواهند داد» (یوحنا ۱۵:‏۲۰).

تا وقتی چشم‌انداز خدا به رنج و سختی، و بشارت انجیل را بازنیابیم، در پیروزیِ فیضی که او تدبیر نموده، شادی نخواهیم نمود.

تن دادن به خدمت بشارت، و برقراری عدالت اجتماعی، همواره بها داشته است؛ و همواره نیز بها خواهد داشت. در روستای میانگوی کشور نیجریه، مهمانسرایی ویژۀ خدمت به مبشران، و کلیسایی کوچک به نام «کِرک» وجود دارد. پشت ساختمان کلیسا، قبرستان کوچکی واقع شده، که دارای پنجاه و شش قبر بوده، و سی و سه عدد از آنها، پیکر فرزندان مبشران را در خود جای داده‌اند؛ و روی سنگ قبرها چنین نوشته شده است: «اِتیل آرنولد: اول سپتامبر ۱۹۲۸ تا دوم سپتامبر ۱۹۲۸.» «باربارا جی. سوانسون: ۱۹۵۲-‏۱۹۴۶.» «اِلین لوییس ویتمویِر: ششم مه ۱۹۵۲ تا سوم ژوییۀ ۱۹۵۵.» در سالهای اخیر، بشارت انجیل به نیجریه برای بسیاری از خانواده‌ها چنین بهایی در پی داشته است. چارلز وایت شرح دیدارش از این قبرستان کوچک را با جمله‌ای بسیار قدرتمند پایان می‌بخشد. او می‌گوید: «تنها راهی که می‌توانیم وجود این قبرستان در میانگو را درک نماییم، این است که به یاد آوریم خدا نیز پسرش را در گسترۀ خدمت بشارت دفن نمود».۲

و وقتی او را از مردگان برخیزانید، کلیسا را فرا خواند، تا در همان گسترۀ خطرناکی که آن را «تمامی جهان» نامید، راه او را پیش گیرند. ولی آیا ما حاضریم پیرو راهش باشیم؟

**دوم تیموتائوس ۳:‏۱۲ چه نقشی در زندگی ما داشته است؟**

دو سال پیش در شهر اِرملوی هلند، برادر اندرو تعریف می‌کرد که در شهر بوداپستِ مجارستان، مشغول تعلیم کتاب‌مقدس به تعداد زیادی از شبانان آن شهر بوده، که دوستی قدیمی، که کشیشی اهل رومانی بود؛ و به تازگی از زندان آزاد شده بود، از راه می‌رسد؛ و برادر اندرو از تعلیم دست می‌کشد، چرا که می‌دانست زمان، زمان گوش سپردن است.

آن کشیش اهل رومانی، پس از مکثی طولانی می‌گوید: «اندرو، آیا در کشور هلند، شبانی زندانی وجود دارد؟» پاسخ برادر اندرو منفی بود؛ و آن کشیش می‌پرسد: «چرا؟» برادر اندرو لحظه‌ای فکر کرده، می‌گوید: «فکر می‌کنم دلیلش باید این باشد که ما از همۀ فرصتهایی که خدا در اختیارمان می‌گذارد، استفاده نمی‌کنیم».

سپس دشوارترین پرسش مطرح می‌شود. «اندرو، دوم تیموتائوس ۳:‏۱۲، چه نقشی در زندگی شما دارد؟» برادر اندرو کتاب‌مقدس را گشوده، به آیۀ مورد نظر مراجعه نموده، و با صدای بلند شروع به خواندن می‌کند: «همۀ کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی، به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید.» سپس کتاب‌مقدس را به آرامی بسته، و می‌گوید: «برادر، لطفاً مرا ببخش. این آیه نقشی در زندگی ما نداشته است».۳

ما آن جنبه از خداپسندانه زیستن را آن‌قدر اهلی و دست‌آموز کرده‌ایم، که به یک سری اخلاقیات، و اطاعت از قانونی که خاص طبقۀ متوسط جامعه، و بی‌ضرر و بی‌آزار است تبدیل گشته، و موجب شده تا دوم تیموتائوس ۳:‏۱۲، برایمان قابل فهم نباشد. این واقعه، مرا می‌ترساند. من فکر می‌کنم بسیاری از ما آماده نیستیم به خاطر انجیل، زحمت ببینیم. به همین دلیل است که احساس می‌کنم خوانده شده‌ام تا چهار هفته را به این موضوع بپردازم که کتاب‌مقدس در این باره چه می‌فرماید؛ و امروز خدا ما را به چه فرا می‌خواند.

**چهار هدفِ رنج و زحمت، بر مبنای کتاب‌مقدس**

در هر پیغام، به یکی از این چهار هدف می‌پردازیم. ما در مورد مقصود رنج و زحمت صحبت می‌کنیم، چرا که بدیهی است که هدف خدا این است که گاهی به خاطر عدالت، و به خاطر انجیل، زحمت ببینیم. برای نمونه: «کسانی که بر حسب ارادۀ خدا زحمت کشند، جانهای خود را به خالق امین بسپارند» (اول پطرس ۴:‏۱۹؛ همچنین ۳:‏۱۷، و عبرانیان ۱۲:‏۴-‏۱۱ را نیز مشاهده نمایید).

چهار هدف رنج و زحمت که در ذهن دارم، از این قرار است:

۱. هدف اخلاقی، چرا که رنج و زحمت، قدوسیت و امید ما را از صافی می‌گذراند (رومیان ۵:‏۱-‏۸).

۲. هدف ایجاد صمیمیت، چرا که در رنج و زحمت، رابطۀ ما با مسیح عمیق‌تر، و دلپذیرتر می‌گردد (فیلیپیان ۳:‏۷-‏۱۴).

۳. هدف خدمات بشارتی، چرا که خدا ما را می‌خواند تا با گسترش دادن ارزش زحمات او، در واقعیتِ رنج و زحمتی که خود متحمل می‌شویم، زحمات مسیح را به کمال رسانیم (کولسیان ۱:‏۲۴).

۴. هدف جلال، چرا که این زحمت سبک و لحظه‌ای، بارِ جاودانیِ جلال را برایمان به ارمغان می‌آورد (دوم قرنتیان ۴:‏۱۶-‏۱۸).

**هدف اخلاقی (روحانیِ) رنج و زحمت**

امروز به بررسی هدف اخلاقی (یا روحانیِ) رنج و زحمت می‌پردازیم. خدا مقرر نموده که برای انجیل، و به خاطر عدالت، زحمت ببینیم، چرا که این رنج و زحمت، از نظر اخلاقی و روحانی، بر ما تأثیرگذار خواهد بود.

**وجد و شادی در امید جلال خدا**

توجهتان را به یکی از عالی‌ترین آیات در این خصوص جلب می‌نمایم: در رومیان ۵:‏۳-‏۴، پس از اینکه پولس نشان می‌دهد که ما با ایمان عادل شمرده می‌شویم؛ و به خاطر عیسی به فیض دسترسی داشته، و در فیض می‌ایستیم، در آیۀ ۲ می‌فرماید که ما مسیحیان «به امید جلال خدا فخر می‌نماییم.» دلیل اصلیِ شادی زندگی مسیحی این است که مشتاقانه در انتظار دیدن جلال خدا، و سهیم شدن در آن هستیم. امید برای جلال خدا، قلب تپندۀ شاد بودن ماست.

پس اگر این امر حقیقت دارد، پولس قاطع و بی‌چون و چرا مطلبش را در آیات ۳ و ۴ ادامه داده، و می‌گوید که ما در چیزهایی که امیدمان را افزایش می‌دهند نیز وجد و شادی می‌نماییم؛ که شماری از آن دلایل از این قرارند: ما در بررسی‌مان، این روند را با امید جلال خدا در انتهای آیۀ ۲ آغاز نموده، و با امید در انتهای آیۀ ۴ خاتمه می‌دهیم. حال، نکته اینجاست: اگر در امید، وجد و شادی می‌نماییم، در هرچه که پدید آورندۀ آن امید است نیز شادی خواهیم نمود.

**آنچه پدید آورندۀ امید است**

آیات ۳ و ۴، آنچه را که پدید آورندۀ این امید است، شرح می‌دهند: «و نه این تنها [نه تنها اینکه به امید جلال خدا وجد و شادی می‌نماییم]، بلکه در مصیبتها هم فخر می‌کنیم، چون که می‌دانیم که مصیبت، صبر را پیدا می‌کند؛ و صبر، امتحان را [تأیید شدن را] [پدید می‌آورد]؛ و امتحان، امید را [پدید می‌آورد]».

پس ما از آن جهت در زحمات شادی نمی‌کنیم که درد، یا مصیبت، یا ناراحتی، یا دردسر را دوست داریم (ما آزارطلب نیستیم)، بلکه در زحمات شادی می‌کنیم، زیرا زحمات، آنچه را که دوست داریم، به بار می‌آورند؛ یعنی امیدی قوی‌تر و قوی‌تر، که از طریق تجربۀ صبر و پایداری، و مورد تأیید واقع شدن، حاصل می‌شود.

**خدا از رنج و سختی قومش، هدفی دارد**

بنابراین، درس اصلی در اینجا این است که خدا از رنج و سختی قومش، هدفی دارد؛ و آن هدف، اغلب با هدف خدمتی که قوم خدا به خاطر آن زحمت می‌کشند، تفاوت دارد. هدف خدمت، می‌تواند بشارت به افراد مجرد در شهر تویین سیتیز، که تا به حال کلیسا نرفته‌اند، یا بشارت به متخصصان و تحصیل‌کرده‌های ساکن حومۀ شهر، یا بشارت به مسلمانان تُرک باشد، اما هدف خدا می‌تواند این باشد که با زندانی شدن مبشران، امید بیشتری را در خادمان و مبشران به بار آورد. خدا همواره بیش از این عمل می‌کند، (همان‌طور که در هفته‌های آینده خواهیم دید)، ولی برای بحث امروزمان، تا اینجا کافی است.

به بیان دیگر، شاید خدا به آن طریقی که ما فکر می‌کنیم، خدمتمان را پربار و کارآمد نسازد. پولس در زندانی شدنها، در کتک خوردنها، در هنگامی که کشتی‌اش تا آستانۀ غرق شدن پیش رفت؛ و در زمانی که برنامه‌ریزی‌هایش در هم می‌ریخت، باید بارها و بارها با عملکرد خدا که برایش غریب بود، کنار می‌آمد. خدا چطور می‌توانست چنین ناکارآمد عمل کند؛ و بگذارد که خدمت پولس این‌گونه بارها و بارها با مانع مواجه شود؟ پاسخ (که تنها پاسخ نمی‌باشد) این است: خدا در روند بشارت قومش به گمشدگان، قصد نموده تا امید و قدوسیت قومش را افزایش دهد؛ و تنها خدا می‌داند که این دو امر را به چه شکلی به تعادل رساند؛ و آنها را به بهترین شکل پیش برد.

**سه تأثیر زحمات و سختیها**

حال، تأثیر زحمات و سختیها را به طور مشخص‌تر بررسی نماییم. در آیات ۳ و ۴، به سه تأثیر مشخص اشاره شده است.

**۱. پایداری**

نخست اینکه زحمات و سختیها، پایداری، یا صبر و شکیبایی به بار می‌آورند. البته منظور پولس این نیست که چنین امری در مورد کل مردم جهان صادق است. زحمات و سختیها، بسیاری را بیزار و تلخ و خشمگین و رنجیده ساخته، و آنها را به غرولند و شِکوه و شکایت وامی‌دارد. اما برای آنانی که از روح مسیح برخوردارند، تأثیرش پیوسته چنین نخواهد بود. سختیها، برای ایشان صبر و شکیبایی به بار می‌آورد، چرا که ثمرۀ روح‌القدس، صبر است.

نکته اینجاست که تا وقتی رنج و سختی، و به ویژه رنج و سختی به خاطر مسیح و عدالتش، در زندگی‌مان رخ ننماید، به وسعت و عمق سرسپردگی‌مان به مسیح پی نخواهیم برد. تا زمانهای دشوار از راه نرسند، متوجه نشده، و واقعاً نمی‌دانیم که شاید از آن دسته مسیحیانی بوده‌ایم که فقط در خوشی یارند و در ناخوشی رفیق نیمه‌راهند، همان دسته‌ای که عیسی در مثال زمینها در انجیل مرقس ۴:‏۱۶-‏۱۷، توصیفشان نمود.

و کاشته شدۀ در سنگلاخ، کسانی می‌باشند که چون کلام را بشنوند، در حال، آن را به خوشی قبول کنند؛ و لکن ریشه‌ای در خود ندارند، بلکه فانی می‌باشند؛ و چون صدمه‌ای یا زحمتی به سبب کلام روی دهد، در ساعت، لغزش می‌خورند.

پس پولس می‌گوید که یکی از تأثیرات برجستۀ سختیها و زحمات این است که در قوم خدا، صبر و شکیبایی و پایداری به بار می‌آورد، تا که ایشان شاهد وفاداری خدا در زندگی‌شان بوده، و بدانند که به راستی از آنِ او هستند.

**۲. امتحان**

این دومین تأثیری است که در آیۀ ۴ بدان اشاره شده است. «و [این] صبر، امتحان را [پدید می‌آورد].» در زبان یونانی، این واژه به مفهوم واقعی کلمه، به این معناست: «تجربۀ آزموده شدن، و مورد قبول واقع گشتن.» و ما می‌توانیم آن را «تأیید شدن»، یا «تثبیت شدن» بنامیم.

درک این مقوله، دشوار نیست. اگر زمانی که سختیها می‌آیند، در وقف و سرسپردگی‌تان به مسیح، جنبش نخورید؛ و بر ضد او نشوید، پس از گذشتن از آن تجربه، برایتان بهتر ثابت می‌شود که یک مسیحی واقعی بوده، قبول گشته، و ریاکار نیستید. درخت اعتماد، خمیده گشت، اما نشکست. وفاداری و پایبندی شما آزموده شد؛ و از آن آزمون سربلند بیرون آمدید؛ و وفاداری و پایبندی‌تان، امتحانشان را پس دادند. طلای ایمانتان از آتش گذشت؛ و بدون ناخالصی، تصفیه گشت.

چون مسیرت باشد اندر آزمونهای آتشین

فیضم بسی کافی، بُود تو را تأمین

شعله گزندت نزد، کردم همی منظورت

گیردت ناخالصی، ناب کند طلایت

این دومین تأثیر زحمات و سختیهاست: «تثبیت و تصفیۀ طلای وفاداری‌مان به عیسی.» صبر و پایداری، اطمینان از مورد قبول واقع شدن را به همراه می‌آورد.

**۳. امید**

سومین تأثیر، ناشی از آزموده شدن، قبول شدن، و تصفیه شدن است. آیۀ ۴: «و امتحان، امید را [پدید می‌آورد.]» این مهم، ما را به آیۀ ۲ بازمی‌گرداند: «به امید جلال خدا فخر می‌نماییم.» زندگی مسیحی، با امید به وعده‌های خدا در انجیل، آغاز می‌گردد؛ و این امید، در پیچ و خم سختیها و مشکلات، بیشتر و بیشتر می‌گردد.

مورد قبول واقع شدن، امید بیشتری به بار می‌آورد، چرا که امید ما آن زمان رشد می‌کند که با آزموده شدن، به واقعیت اصالت ایمانمان پی می‌بریم. کسانی که خدا را به بهترین شکل می‌شناسند، آنهایی هستند که همراه با مسیح، متحمل رنج و سختی می‌گردند. کسانی که در امیدشان کمترین لغزش را تجربه می‌کنند، آنهایی هستند که عمیقاً آزموده شده‌اند. کسانی که با جدیت و استواری و اشتیاق بیشتری به امید جلال می‌نگرند، آنهایی هستند که به خاطر زحمات و سختیها، رفاه و آسایش این دنیا از آنها سلب گشته است.

**وجد و شادی در امید جلال، و در زحمات و سختیها**

پس نخستین چیزی که دربارۀ رنج و سختی در این مجموعه پیغامها بدان اشاره می‌کنیم، این است که خدا از این رنجها و سختیها هدفی دارد؛ و آن هدف این است که به خاطر نام خودش، در قومش صبر و شکیبایی به بار آورد؛ و از طریق آن صبر و شکیبایی، واقعی بودن ایمان، و وفاداری ایشان به مسیح را محک زده، آن را تأیید و تصفیه نماید؛ و به واسطۀ آن آزمودن و تأیید و تثبیت نمودن، شدت امید ما را قوی‌تر و عمیق‌تر سازد.

ما در کلیسا اهدافی برای خدمت نمودن داریم (شاگردسازی در حومۀ شهر، شبانی گروه‌های کوچک، ایستگاه‌های بشارتی، دفاع از جنین‌ها، آماده‌سازی جوانان و خردسالان.) ما رویای عظیمی در سر داریم که تا سال ۲۰۰۰، دو هزار مبشر را به نقاط مختلف بفرستیم. ما باید بهای ساختمانی را پرداخت نموده، و بودجه‌ای را اختصاص دهیم؛ و همۀ اینها را برای مسیح، و ملکوتش انجام می‌دهیم. نمی‌دانم خدا در حاکمیتش، تا چه مقدار از این رویا را به تحقق خواهد رساند، اما می‌دانم که وقتی با اطاعت، در پی رسیدن به این اهداف گام برداریم، هر مانع و ناکامی و رنج و زحمتی هم که پدید آید، خدا در همۀ آنها هدفی را در نظر داشته، و آن هدف، به اندازۀ خودِ آن اهداف از اهمیت برخوردارند؛ و آن هدف چیزی نیست جز صبر و پایداری شما، امتحان شما، و امید شما به جلال خدا.

خدا به هر شکل دیگری هم که برنامه‌ریزی‌های زندگی‌مان را پیش برد، امر مسلم این است که همواره هدفش را در زندگی‌مان عملی خواهد ساخت. پس بیایید به همراه پولس، در امید جلال، و در زحمات و سختیهایی که در راه است، وجد و شادی نماییم.

۱ خبرنامۀ بین‌المللی، ویژۀ پژوهش در خصوص خدمات بشارتی، جلد ۱۶، شمارۀ اول، ژانویۀ ۱۹۹۲، صفحۀ ۲۷.

۲ چارلز وایت: «فداکاریهای کوچک»، مجلۀ مسیحیت امروز، جلد ۳۶، شمارۀ هفتم، ۲۲ ژوئن ۱۹۹۲، صفحۀ ۳۳.

۳ برگرفته از پیشگفتار کتاب «خوانده شده برای رنج و زحمت، خوانده شده برای پیروزی و ظفر»، به قلم هِربرت اِشلازبرگ (پورتلند: انتشارات مالت‌نوماه، ۱۹۹۰)، صفحات ۹-‏۱۰.